

بنگاه



سرپرست سازمان بسیج مهندسين کشاورزی و منابع طبیعی عنوان کرد

فعالیت ۵ کانون برای علمی کردن کشاورزی دراستان

فرخ نژاد-۵ کانون برای ارائه راه های علمی کردن کشاورزی در سازمان بسیج مهندسين کشاورزی و منابع طبیعی استان فعال است.

سرپرست سازمان بسیج مهندسين کشاورزی و منابع طبیعی استان به خبرنگار ما گفت: این سازمان ۵ کانون فعال دارد که می توانند در زمینه های تغییر الگوی کشت و راه های علمی کردن کشاورزی چراغ راه کشاورزان استان باشند.

«جوبیان» افزود: طرح همگام با کشاورز نیز در تمام شهرستان های استان فعال است که در این طرح با وجود کشاورزان خبره و کارشناسان مرتبط به صورت عملی و تئوری راهکارهای لازم برای علمی کردن کشاورزی آن هم متناسب با اقلیم منطقه به دیگر کشاورزان ارائه می شود.

به علاوه در این سازمان شورای بسیج مهندسان نیز فعال است و راهکارهای عملی را در زمینه مختلف کشاورزی چه زراعی و باغی به کشاورزان ارائه می دهد. وی گفت: در این سازمان تلاش براین است تا راهکارهای مختلف را در زمینه علمی سازی کشاورزی جمع آوری کرده و پس از بومی سازی در اختیار کشاورزان قرار دهند.

به گفته وی سازمان بسیج مهندسين کشاورزی و منابع طبیعی استان پله پله پیش می رود تا مشکلات کشاورزان استان را برطرف کند.

سرپرست سازمان بسیج مهندسين کشاورزی و منابع طبیعی استان از راه اندازی اردوی جهادی کلینیک سیار دامپزشکی در مناطق محروم استان در آینده خبر داد و گفت: در قالب این اردوی جهادی یک تیم ۱۸ نفره از تهران به مناطق محروم استان اعزام می شوند. «جوبیان» با اشاره به راه اندازی مزارع الگویی توسط این سازمان در برخی از مناطق استان افزود: یکی از این مزارع مزرعه الگویی زرشک است که به زودی نتایج به دست آمده در این مزرعه در اختیار تمام زرشک کاران استان قرار می گیرد.



ببینم و آن ها را سوار خودرو و نکتم و یا اگر کاری از دستم برآید انجام ندهم.

این دوره گرد روستایی از الطاف بسیاری که در مسیر رسیدن به روستاها و نقل و انتقال اثاثیه نصیبش شده سخن به میان می آورد و می افزاید: در یکی از این سفرها گرفتار اشراق شدم اما چون همیشه نیتیم کمک و خدمت بود خیلی به راحتی از دست آن ها رها شدم.

در این سفر حتی ۵۰۰ هزار تومان پولی که می خواستم خرید کنم را به همراه داشتم که در امان ماند و حتی وقتی از دست گروگان گیران رهایی یافتم خودشان راهنمایی ام کردند که چگونه خود را به مقصد برسانم.

وقتی به مقصد رسیدم و گریه اش را دریافت کردم از خریدی که در آن شهر می خواستم انجام دهم منصرف شدم و وقتی به کرمان رسیدم با ۵۰۰ هزار تومان بک تن لیمو و ۴۰۰ هزار تومان دیگر را هم انواع دیگر میوه خریدم و در بیرجند به یک چهارم قیمتی که فروخته می شد عرضه کردم طوری که ظهر نشده تمام میوه ها فروش رفت.

این کار را هم به این خاطر انجام دادم تا لطفی که خدا داشت و جان سالم به در بردم با فیض رسیدن به عده ای جبران شود.

با تک تک روستاییانی که شاید دیگر «غلامحسین اکبری» را از یاد برده باشند خاطره دارد و هر وقت که به یاد آن ها می افتد لبخندی بر لبانش نقش می بندد.

آخرین معامله ای که داشت هم در روستاهای بخش درح سرپیشه بود.

در این سفر وقتی که دید مرز نشینان این روستاها در اثر فقر و خشکسالی حتی قادر به خرید یک عدد آدامس برای کودکانشان نیستند برای همیشه تصمیم گرفت تا دوره گردی را کنار بگذارد.

او پدری داشته که پالان دوز بوده و پالانی را هم که می دوخته اگر مزدش ۵۰۰ تومان بوده ۵۰ تومان حساب می کرده است. پدر هم مانند پسر به تمام روستاها ۶ ماه به ۶ ماه برای کار کردن می رفته است. به گفته او در این مدت حداقل باید ۱۵ تا ۲۰ هزار تومان کار کرد پدر می شد اما وقتی از کار کردن برمی گشت آنچه به عنوان درآمد می آورد ۴ کیلوگرم عتاب و ۶ کیلوگرم بادام بود.

او می گوید: تک فرزند خانواده بودم و زمانی که ازدواج کردم ۴۰ هزار تومان بدهی داشتم اما حالا از زندگی و درآمدی که دارم راضی ام و هیچ مشکلی ندارم.

خداوند ۴ فرزند، دو دختر و دو پسر به من داده است که همه آن ها سر به راهند و اهل زندگی و همان طور که پس از مرگ مادر همانند پروانه تا لحظه از دنیا رفتن به دور پدر گشتن فرزندان هم لحظه ای از من غافل نمی شوند و همیشه و در همه حال همراه و همدم هستند.

سال های آخر که پدرم گوشه نشین شد و نمی توانست راه برود بیشتر وقت ها برای این که روحیه اش عوض شود او را کول می کردم و دور روستا می گرداندم، همیشه پدر می گفت من راضی به اذیت نیستم اما می گفتم هر چه به شما خدمت کنم نمی توانم ذره ای از زحماتی که برای من کشیده اید را جبران کنم.

وقتی دعای خیر پدر و مادر پشت سر فرزند ی باشد و او هم خدا را در همه حال از یاد نبرد به طور حتم در زندگی اش موفق و سر بلند خواهد بود.

• همه از دعای مردم

هر چه دارد را از دعای مردمی می داند که بی منت به آن ها کمک کرده است و می افزاید: نشد که در مسیری تردد کنم و پیر مرد و پیر زنی از کار افتاده را

آن ها هم باز حمت و سختی فراوان داشته هایشان را به دست می آورند. به عنوان مثال شاید دیگر دوره گرد های یک کیلو خاکشیر را از روستاییان ۱۵ تومان می خریدند اما من همان یک کیلو را ۲۰ تومان می خریدم و خیرش را هم می دادم.

به علاوه این طور نبود که جنسی هم که به آن ها می فروشم خوب نباشد چون اجناسی که نیاز داشتند هم با کیفیت بود و آن ها هم هر آن چه خوب بود را به من می فروختند.

مثال دیگرش این است که سرویس اعلاي ملامین را ۱۵ هزار تومان از تولید کننده و عمده فروش می داشتم اما حالا ۱۷ هزار تومان به روستاییان می فروختم در حالی که رفقای من همین سرویس را ۲۵ هزار تومان به روستاییان می دادند و همیشه هم به خاطر ارزان فروشی ام معترض بودند.

پاسخی که به اعتراض این رفقا می دادم این بود که ۱۵ هزار تومان از تولید کننده و عمده فروش می داشتم اما حالا ۱۷ هزار تومان به روستاییان می فروختم در حالی که رفقای من همین سرویس را ۲۵ هزار تومان به روستاییان می دادند و همیشه هم به خاطر ارزان فروشی ام معترض بودند.

پاسخی که به اعتراض این رفقا می دادم این بود که ۱۷ هزار تومان از تولید کننده و عمده فروش می داشتم اما حالا ۱۷ هزار تومان به روستاییان می فروختم در حالی که رفقای من همین سرویس را ۲۵ هزار تومان به روستاییان می دادند و همیشه هم به خاطر ارزان فروشی ام معترض بودند.

پاسخی که به اعتراض این رفقا می دادم این بود که ۱۷ هزار تومان از تولید کننده و عمده فروش می داشتم اما حالا ۱۷ هزار تومان به روستاییان می فروختم در حالی که رفقای من همین سرویس را ۲۵ هزار تومان به روستاییان می دادند و همیشه هم به خاطر ارزان فروشی ام معترض بودند.

• هر چه دارم لطف خداست

هر آنچه در زندگی دارد را از لطف خدا، خوبی به پدر و نان حلالی که بر سر سفره آورده است می داند زیرا

را با خرید یک وانت دو هزار شروع کرد و پشت وانتش قالی، پشتی، اثاث خانه و... داشت.

او می گوید: در بساطم از شیر مرغ تا جان آدمیزاد یافت می شد و چون به صورت انبوه و یکجا از تولید کنندگان در تهران می خریدم همیشه با قیمت مناسب و ارزان به روستاییان می فروختم.

• تهیه کردن جهاز نو عروسان روستایی
زمانی که او به شغل دوره گردی در روستاها مشغول بود جهاز دختران روستایی را تهیه می کرد و به طور کامل آن را به روز موعد یا همان برگزاری مراسم می رساند. آن زمان چون وضعیت اقتصادی روستاییان به دلیل ترسالی مناسب بود معامله های خوبی انجام می شد البته چون اجناس را به صورت عمده از تهران می خرید می توانست به قیمت مناسب و ارزان هم به دست روستاییان برساند.

نکته جالب توجهی که به آن اشاره می کند این است که آن زمان از تهران ظروف ملامین را «تنی» خریداری می کردم در روستاها کیلویی به مردم می فروختم. به عنوان مثال دو دست بشقاب برنج خوری را که روی ترازو می گذاشتم برای خریدار روستایی ۲۵۰ تومان می شد و روستایی که پول داشت نقدی حساب می کرد و فردی هم که پول نداشت هر چیزی از پشم، کرک، تخم اسپند، قیسی (برگه زر دالو)، کفش کهنه، مس کهنه، بادام و... را از او به قیمت مناسب می خریدم و در عوض آن چه نیاز داشت به او می دادم.

سوالی که اینجا به ذهن می رسد این است که آیا خرید آن چه داشته روستاییان بود یا هزینه ای که برای خرید اجناس مختلف پرداخت می شد برابری می کرد یا سود هم داشت؟

به پرسش مطرح شده این گونه پاسخ می دهد: در تمام مراحل کار توکل به خدا داشتم و هدفم این بود که جنس مناسب را به دست روستاییان برسانم زیرا

ترازوی انصاف تنها چیزی است که در تمام سال هایی که به عنوان معامله گر هر روز مهمان نقطه ای از روستاهای خراسان جنوبی بود در پشت وانت دو هزارش بیش از دیگر کالاها و اجناس خود نمایی می کرد و به همراه داشتن این خسیصه سبب شد تا محبوبیتی بیش از دیگر دوره گرد ها و معامله گران در روستاها داشته باشد.

در بساطش بیشتر، معامله پایاپای بود تا این که روستاییان بخواهند نقدی خرید کنند زیرا یک روستایی سرمایه اش همان محصولی بود که از باغ، زمین، دشت و کوه ها باز حمت فراوان به دست می آورد. او نان حلال پدر پالان دوزش را خورده است و تاروژی که کار می کرد به فردی منصف در شغلش شناخته می شد و به همین علت با روستاییانی که با زحمت فراوان محصولات باغی و زراعی را برداشت می کردند، منصفانه بر خورد می کرد طوری که از آن ها داشته هایشان را خریداری می کرد و در قبال آن اجناسی را که نیاز داشتند می فروخت.

اگر خشکسالی بساطش را از خراسان جنوبی جمع می کرد و کمی آسمان هم انصاف به خرج می داد شاید «غلامحسین اکبری» که یک دهه از عمر کاری اش را به معامله گری در روستاهای استان گذرانده بود این شغل را کنار نمی گذاشت و همچنان هر روز در یکی از روستاها بساط معامله گری اش را پهن می کرد. وقتی دید خشکسالی آن قدر روستاییان را بی بضاعت کرده که حتی توان خرید یک کالای کوچک را ندارند و در به در شهر و روستا شده اند و از طرف دیگر نداری مردم عذابش می داد بهتر دید که این شغل را با همه وابستگی و دلبستگی که به آن داشت کنار بگذارد. این دوره گرد قدیمی روستایی اکنون با داشتن خودروی سنگین مشغول نقل و انتقال کالا و به ویژه اثاث کشی است و همان طور منصف است طوری که جهاز عروس و دامادها را رایگان انجام می دهد. ۴۸ سال دارد و از ۲۵ سالگی کار دوره گردی

لیست منتخب شعبات فروش روزنامه خراسان



نام سوپر: ماهان

آدرس: پاسداران چهارراه شهدا گمنام

تلفن: ۰۹۱۵۱۶۰۰۰۳۱

نام سوپر	نشانی	نام سوپر	نشانی	نام سوپر	نشانی
شهر ما	سجادشهر، روبروی آتش نشانی	سهیل	بلوار غدیر، نبش خ ایمان	سادات	نبش خ ۱۷ شهر یور ۳
محصولات سجاد	ابتدای سجادشهر	لوازم التحریر سینا	نبش امامت ۲۳	وئوقی	نبش خ ۱۷ شهر یور ۱۴ پ ۴۹
عادل	سجادشهر، خ ۱۵ خرداد پ ۲۴۰	شیرآوران	بین امامت ۲۶ و ۲۸	مهدی	خ کارگران، جنب مسجد صدیقه طاهره
مینوسا	خ سجادشهر روبروی خ مقداد شعبه ۲	لوازم التحریر آذر مهر	بین امامت ۲۷ و ۲۹	امیر	بلوار جوادیه، نبش خ وحدت
تقوی	سجادشهر، نبش خ رضویه	بلال	نبش امامت ۳۹	لوازم التحریر ایران	بین رجایی ۵ و ۷
لوازم التحریر نگارستان	سجادشهر، خ شاهد نبش ماژانی	آقا	۲۰ متری دوم تقاطع خ مفتح	ناب	خ شهدا، روبروی اداره ثبت و اسناد
محمد	سجادشهر، خ اندیشه	مهین مارکت	نبش سپیده ۸	رضویه	بین رضویه ۸ و ۱۰
سبحان	سجادشهر، خ گلستان شرقی	ایوبی	نبش سپیده ۱۲	لوازم التحریر دانش	بین مطهری ۱۷ و ۱۹
لوازم التحریر عارف	سجادشهر، نبش امامت ۱۵	سپیده	سراب نبش سپیده ۱۹	هادی	چهارراه صمدی خ قائم
محمدی	سجادشهر، فلکه نیک اختر	زرین	معصومیه، داخل ۲۰ متری چهارراه دوم	المهدی	خ ۱۵ خرداد
مهنام	سجادشهر، نبش امامت ۲۰	شریفی	معصومیه، داخل ۲۰ متری مقابل خوابگاه	حسین	میدان آزادی، روبروی بانک ملی
رضوی	سجادشهر، ابتدای خ شاهد سمت چپ	یکتا	معصومیه، بلوار شهدای عبادی	امیر علی	حاجی آباد، روبروی خ مقداد
محصولات امام جعفر صادق (ع)	فلکه اول سجادشهر، جنب مسجد	امیر مسعود	معصومیه، ۲۰ متری گازاری چهارراه یوسفی	غدیر	مهرشهر، خ امام علی ۳ روبروی درمانگاه
مواد غذایی مرتضی	فلکه سوم سجادشهر، نبش فلسطین غربی پ ۱	مواد غذایی آبتناس	بین انقلاب ۷ و ۹	ولیعصر	امیر آباد، بین خ ولیعصر ۷ و ۹
امامت	سجادشهر، نرسیده به امامت ۱	رضا	نبش انقلاب ۱۲	مواد غذایی صداقت	امیر آباد، نبش خ امام علی (ع) ۱۱
سجاد	نبش سجاد ۲	سیمرغ	بین انقلاب ۱۵ و ۱۷	کیوان	بلوار مهر، روبروی خ محبت
لوازم التحریر احمدی	نبش امامت ۱	احسان	بین منتظری ۱۱ و ۱۳	دانا	دکه میدان ابوذر
شهروند	بین امامت ۹ و ۱۱	ارنج	خ منتظری ۱۴	مقدم	نبش مفتح ۲۸